



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

انحراف در کشف جرم

امیر کاظمی^۱ , باقر شاملو^۲ , امان الله علیمرادی^۳، سید مهدی احمدی موسوی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از عوامل ایجاد اختلال در جوامع بشری جرم است. که همواره امنیت جانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی انسان‌ها و جامعه و دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده است. واکنش جوامع در مقابل این پدیده ابتدا از طریق اعمال روش‌ها و ابزارهای قهرآمیز قانونی با توسل به نهادهای کیفری است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: روش‌های ناصحیحی نیز در جهت مقابله با جرم در بین کارگزاران کیفری همانند قضات و مراجع انتظامی مرسوم است. که این روش‌های غیرصحيح با دو موضوع نظم عمومی و حقوق افراد مغایرت دارد. لیکن گاهی نگاه توأم با مصلحت و حتی خیرخواهانه، کارگزار کیفری را مجاب می‌نماید، که در راستای حل مسأله کیفری یا پرونده به روش‌های غیرصحيح توسل جوید.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: عدم جرم دانستن این طریق ناصحیح کشف جرم و تحصیل دلیل و عدم ذکر آن به عنوان عاملی که می‌تواند موجبات مختومه شدن پرونده را تحت قالب قرار موقوفی تعقیب فراهم نماید، یک نقیصه‌ی قانونی است که سبب تشتت آراء و عدم وجود رویه‌ی واحد در خصوص یک موضوع نزد مراجع قضایی شده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

واژگان کلیدی:

تحقیقات

کشف جرم

تفتیش و بازرسی

شنود و کنترل ارتباطات الکترونیکی

* نویسنده مسؤؤل:

باقر شاملو

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه

شهید بهشتی، دانشکده حقوق، گروه

حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۱۹۸۳۹-۶۳۱۱۳

تلفن: ۲۱-۲۹۹۰۲۷۴۴

پست الکترونیک:

b-shamloo@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه علم و فناوری نسبت به ادوار گذشته پیشرفت بسیار زیادی کرده است. از این رو زندگی بشری با مصادیق بیشتری از اعمال بزه کارانه مواجه است. کشف جرم از راه‌های اصولی و متقن یکی از مهم‌ترین اموری است که مدنظر قانون‌گذار بوده چرا که بازخورد این رفتار قانونی علاوه بر رعایت نظم عمومی، موجبات احقاق حقوق افراد درگیر در دادرسی را فراهم می‌نماید. با نیم‌نگاهی در عملکرد برخی از کارگزاران دستگاه کیفری، ملاحظه می‌شود که در جهت کشف جرم و یا در روند رسیدگی به پرونده کیفری اعمالی همچون ۱. دام‌گستری، ۲. بازرسی و تفتیش غیرقانونی، ۳. بازرسی از خودروها و سرنشینان آن، ۴. بازرسی از اشخاص، ۵. راه‌اندازی ایستگاه‌های ثابت و غیرثابت و بازرسی توسط نیروهای انتظامی و نظامی، ۶. استفاده از سگ و تجهیزات جرم‌یاب، ۷. شنود و کنترل ارتباطات الکترونیکی، ۸. مظنون‌گیری، ۹. استفاده از شکنجه در جهت کشف جرم، ۱۰. معامله اقرار یا اقرار تحت فریب و ۱۱. محروم نمودن متهم از حقوق قانونی جهت کشف جرم، لحاظ می‌شود. به طور مثال اگر فردی به همراه دوستان خویش جهت بازدید از یک مکان تفریحی در انتظار رسیدن اتوبوس بوده و مأمور نیروی انتظامی به صورت گذری به فرد مزبور مظنون شود و اقدام به بازرسی غیرقانونی ساک او نماید. و در این حین دو بطری مشروبات الکلی خارجی که پنهان در بین البسه شخص بوده را کشف نماید. مقام قضایی در برخورد با وی چه تصمیمی می‌بایست اتخاذ نماید؟ آیا صرف کشف مشروبات الکلی توسط ضابط این اذن را به مقام قضایی می‌دهد که همانند سایر پرونده‌های کیفری اقدام به تعقیب متهم و تحقیق از وی را نماید و یا به صرف اینکه، کشف صورت گرفته، از طریق ناصحیح بوده و به نوعی غیرقانونی اقدام شده، موجبات منع تعقیب را برای متهم فراهم می‌آورد و یا اینکه این نحوه کشف، موجبات تخفیف مجازات را برای متهم در دادگاه حاصل می‌نماید. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است بررسی این است ۱- که اسباب کشف جرم در نظام کیفری ایران طریقت دارد یا موضوعیت؟ و کشف جرم به چه میزان وسیله را توجیه می‌کند، ۲- تأثیر نحوه

کشف جرم در میزان مجازات بزه‌کار چگونه است؟
۳- مسئولیت مقام قضایی در نحوه کشف جرم ناصواب چگونه است؟

شاید پاسخ مناسب در خصوص سوال اول چنین به نظر می‌رسد که نظر قانون‌گذار بر این بوده است که کشف جرم نیز در تحدید مقررات قانونی باشد و به عبارت دیگر همان‌گونه که کشف جرم در جهت اجرای قانون است خود نیز باید بر محور قانون منطبق باشد. لذا مقام قضایی حق اعمال ابزار غیرقانونی در کشف جرم را ندارد و کشف جرم در حقوق کیفری ایران موضوعیت دارد و به هر طریقی نمی‌توان اقدام به کشف جرم نمود و در خصوص سوال دوم نیز شاید پاسخ مناسب آن باشد که کشف جرم می‌بایست از طریق ابزار قانونی و منطبق با آن صورت گیرد بنابراین موجبی برای تعقیب متهم وجود ندارد. و در خصوص سوال سوم نیز آنچه که به عنوان یک پاسخ مناسب به ذهن خطور می‌کند این است که با عنایت به اینکه تحقیق می‌بایست بر محور مقررات صورت گیرد، هرگونه فعل صادره از سوی مقام رسیدگی‌کننده که بر خلاف مقررات قانونی باشد حسب مورد می‌تواند مسئولیت حقوقی یا کیفری یا مسئولیت انتظامی را به همراه داشته باشد. با توجه به مراتب مذکور در بحث موضوعات پیش‌فرض تحقیق حاضر که از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی حاصل شده است در سه بخش نگارش شده که در بخش اول به موضوع کشف جرم و در بخش دوم به ابزارهای قانونی کشف جرم و در بخش سوم ابزارهای کشف جرم مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، روش‌های ناصحیحی نیز در جهت مقابله با جرم در بین کارگزاران کیفری همانند قضات و مراجع انتظامی مرسوم است. که این روش‌های غیرصحيح با دو موضوع نظم عمومی و حقوق افراد مغایرت دارد. لیکن گاهی نگاه توأم با مصلحت و حتی خیرخواهانه، کارگزار کیفری را مجاب می‌نماید، که در راستای حل مسأله کیفری یا پرونده به روش‌های غیرصحيح توسل جوید. از طرفی انحراف در فرآیند کشف جرم می‌تواند مؤلفه‌های حکومت قانون در نظام حقوقی را با چالش‌های جدی مواجه کند. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت (۱). در فضای حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دارای آثار بسیار مختلفی می‌باشد که یکی از آنها تضمین مؤلفه‌های حکومت قانون می‌باشد. در بحث پژوهش حاضر نیز اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها از دو منظر با چالش مواجه می‌شود: اول اینکه انحرافات در فرآیند کشف جرم همگی از قبل پیش‌بینی و جرم‌انگاری نشده‌اند و در نتیجه برخورد با آنها به صورت صریح و قاطع (که همین موارد نیز از مؤلفه‌های حکومت قانون در قالب جزمیت حقوقی می‌باشند) امکان‌پذیر نیست. دوم اینکه، در تفسیر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، تمام فرآیند کشف جرم و به طور خاص ابزارهای آن نیز باید از قبل توسط قانون تعریف و در ارتباط با سایر موارد در فضای سکوت قانون به واسطه احترام به حق بر حریم خصوصی باید اصل را بر عدم جواز آنها گذاشت (۲).

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

مقاله مهدی مقیمی تحت عنوان «دامگستری در کشف جرم» که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، کشف جرم از وظایف عمده و اصلی پلیس است. یکی از روش‌های متداول کشف جرم، صحنه‌سازی است. در این نوشتار، انجام عملیات دام گستری توسط پلیس، در سه بخش (پلیس، متهم و ارزش اثباتی ادله) مورد بررسی قرار گرفته است. در مواردی که جرم با روش دام گستری کشف می‌شود، جرم مورد نظر مأموران پلیس به وقوع پیوسته و مرتکب (مخاطب پلیس) دارای مسوولیت کیفری است. همچنین مأموران پلیسی که با تحرک و ترغیب خود باعث وقوع جرم مورد نظر شده‌اند، در مظان اتهام معاونت در جرم ارتكابی توسط مرتکب قرار می‌گیرند. بنا به دلایلی که شرح آن خواهد رفت، کشف جرم به روش دام گستری، علاوه بر مغایرت با نظم عمومی، مخالفت موازین اخلاقی بوده و دلایل تحصیل شده به این روش، فاقد اعتبار و صحت لازم برای اثبات بسیاری از جرایم است. از سویی به دلیل اهمیت فراوان حفظ امنیت کشور، ماهیت خاص برخی از جرایم نوین (سازمان‌یافتگی و فرامولی بودن) و در راستای همگامی با رویکرد نوین حقوق کیفری در این راستا ضمن بررسی قوانین ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا، موضوع قانون‌گذار ایران نسبت به دام گستری و جایگاه آن در فقه جزایی اسلام نیز بیان شده است. در پایان با ذکر چند راهکار سعی شده که مأموران پلیس، حسب مورد به روش‌های دیگری برای کشف جرم سوق داده شوند (۳).

مقاله سعید غیاثوند تحت عنوان «کشف جرم در حین تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران» که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، چنین می‌توان گفت بر اساس ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری و مطابق ماده ۳۶۳ این قانون هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به

محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت. بررسی و شناخت انحرافات مختلف در فرآیند کشف جرم می‌تواند فضایی مناسب برای حل و فصل چالش‌های اساسی مؤلفه‌های حکومت قانون به ویژه شفافیت و عدالت فراهم کند.

نکته دوم اینکه، اصول دادرسی منصفانه که در همه نظام‌های حقوقی که به عنوان یک مبنای اصلی محسوب می‌شوند، در واقع ضوابطی از حقوق بنیادین بشری هستند که در نظام حقوق بشر بین‌المللی به عنوان قواعد آمره محسوب می‌شوند. مقصود این است که ضوابط مزبور، در رأس سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بشر بین‌المللی قرار می‌گیرند و همه هنجارهای موجود باید منطبق با آنها باشند و هیچ دولتی نمی‌تواند با توسل به عوامل رافع و موجهه مسئولیت (مانند اضطرار) از اجرای تعهدات مزبور استنکاف کند. در واقع اصول دادرسی عادلانه با وجود انحرافات در فرآیند کشف جرم با چالش‌های اساسی مواجه می‌شود که این مسئله برای دولت‌ها در فضای حقوق بین‌الملل بشری نیز مسئولیت‌مشدد ایجاد می‌کند (۵).

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش حاضر در ارتباط با محدودیت‌های تحقیق باید به این نکته عنایت داشت که انحراف در فرآیند کشف جرم یک مقوله گسترده‌ای می‌باشد که در قسمت‌های مختلف نظام حقوقی ممکن است تبلور پیدا کند، اما در پژوهش حاضر، تأکید نگارندگان بر فضای حقوق کیفری و به طور خاص قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. در نتیجه سایر فضاها نظام حقوقی که در آن احتمال انحراف در فرآیند جرم متصور است، در دایره موضوعات پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

عمل می‌آورد و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان تحقیقات را ادامه می‌دهد. این ماده از قانون جدید در ماده ۷۷ قانون سابق پیش‌بینی شده بود. در قانون سابق از عبارت «قاضی» استفاده شده بود که با احیای مجدد دادسرا این وظیفه بر عهده‌ی بازپرس دادیار و دادستان قرار گرفت. لیکن در این ماده از قانون جدید صرفاً بازپرس مخاطب مقنن بوده است علاوه بر این تغییر، تغییرات دیگری نیز به وجود آمده است. به طوری که به تبع سلب مسئولیت تحقیقات مقدماتی از قاضی دادگاه قسمت دوم ماده ۷۷ قانون سابق که عنوان می‌گردد: «در صورتی که شعبه دادگاه منحصر به فرد باشد.» قسمت دوم ماده ۹۹ آیین دادرسی کیفری که عنوان می‌دارد: «و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد.» جایگزین شده است. در این ماده، تکلیف مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود مشخص نیست. به عبارتی مشخص نیست که اگر پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح شود و این مرجع حین تحقیقات مقدماتی جرم دیگری را کشف کند که مرتبط با جرم اولی نیست، باید چگونه عمل نماید. شاید این نقص را بتوان با مفاد بند ث ماده ۶۴ این قانون برطرف نمود و دادگاه را موظف دانست که موضوع را به دادستان اطلاع دهد تا او شروع به تعقیب و تحقیق نماید (۴).

۲-۵. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همانطور که مشاهده شد، در پژوهش‌های صورت گرفته، به صورت پراکنده برخی از انحرافات که در روند کشف جرم ممکن است رخ دهد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته، به صورت دقیق و تفصیلی همه مصادیق انحراف در کشف جرم مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

۳-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ذکر دو نکته حائز اهمیت است: نکته اول اینکه در هر نظام حقوقی مفهوم حکومت قانون به عنوان محور اصلی محسوب می‌شود. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم بنیادی و اساسی در عالم حقوق

۵-۵. کشف جرم

یا اماکن یا اشیاء، مواجهه حضوری، کارشناسی، کنترل مخابرات و مراسلات پستی، تصویری، صوتی، کنترل حساب‌های بانکی، احضار یا جلب متهم، نیابت قضایی، پزشکی قانونی و کشف علمی جرائم است (۸).

۵-۵-۳. ابزارهای ناصحیح کشف جرم

یک سری از ابزارهای دیگر کشف جرم نیز موجود است که اساساً استفاده از آن ناصحیح می‌باشد. بدین عبارت که استفاده از آن با بسیاری از اهداف عالی دادرسی از جمله: ۱. حق شهروندی، ۲. رعایت حریم خصوصی، ۳. کرامت انسانی، ۴. مساوات و برابری، ۵. اصل برائت، ۶. منع تعرض، ۷. منع تجسس، ۸. حق اطلاع از اتهام و دلایل آن، ۹. منع بازداشت غیرقانونی، ۱۰. منع شکنجه و ۱۱. منع هتک حرمت و حیثیت مغایرت دارد. ابزارهایی همچون بازرسی و تفتیش، کنترل مخابرات و مراسلات پستی، کنترل حساب‌های بانکی، احضار یا جلب متهم در عین حال که قانونی می‌باشند. لیکن می‌تواند به صورت غیرقانونی و به نحوه ناصحیح نیز مورد استفاده قرار گیرد و از سوی دیگر ابزارهایی همچون دام‌گستری، مظنون‌گیری، معامله اقرار، اقرار تحت شکنجه، محروم نمودن متهم از حقوق قانونی خویش، تفتیش و بازرسی غیرمجاز، شوند و کنترل ارتباطات الکترونیکی غیرمجاز، استفاده از سگ و تجهیزات جرم‌یاب و... که به تفصیل در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. از ابزارهای ناصحیح کشف جرم است که استفاده از آن با حقوق متهم و اهداف عالی دادرسی در تعارض می‌باشد (۹).

۵-۵-۳-۱. دام‌گستری

کشف جرم و تحصیل دلیل بر عهده دادرسی است، اما در مواردی که مأمور پلیس هویت خویش را مخفی نگه داشته و با انجام اقداماتی همچون تحریک، ترغیب، اغفال و فریب فرد مورد نظر (متهم) را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد. تا او را در حین ارتکاب جرم دستگیر کند، این اقدام مفهوم دام‌گستری را متداعی می‌کند. در تحقق دام‌گستری سه شرط ضروری است:

آنچه پس از شنیدن عبارت کشف جرم به ذهن متبادر می‌گردد آن است که لزوماً جرم عمومی یا خصوصی توسط شخص یا اشخاصی صورت پذیرفته و با اطلاع مقام یا نهاد تعقیب دستورات قضایی لازمه در راستای جمع‌آوری ادله و حفظ آثار و علائم جرم و متعاقب آن شناسایی و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم صادر می‌گردد. به نظر می‌رسد به این مراحل قانونی، مراحل کشف جرم گویند (۶).

۵-۵-۱. طرق اطلاع نهاد تعقیب در مورد جرائم واقع شده

نهاد تعقیب از طریق‌های گوناگون از جمله: ۱. شکایت شاکی خصوصی (راساً یا به عنوان ولی یا قیم یا قیمیت موقت یا وکیل)، ۲. گزارش ضابطین عام و خاص دادگستری و نظامی، ۳. اعلام جرم توسط مقامات رسمی غیر از ضابطین در حوزه کاری خویش، ۴. اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، ۵. وقوع جرم مشهود در برابر دادستان، ۶. وقوع جرم مشهود در برابر بازپرس، ۷. کشف جرم جدید ضمن تحقیق. در مورد جرائم واقع شده اطلاع حاصل و دستور مقتضی قانونی صادر می‌نماید (۷).

۵-۵-۲. ابزار قانونی کشف جرم

ابزارهای قانونی کشف جرم در قانون آیین دادرسی کیفری احصاء شده است. این ابزارهای قانونی در مرحله تحقیقات مقدماتی غالباً بیشترین کاربرد را دارد. چرا که در این مرحله از دادرسی شالوده‌ی پرونده گذارده و اساس آن پایه‌ریزی می‌شود. این ابزارهای قانونی نسبت به متهم و یا حتی ممکن است نسبت به افراد دیگری غیر از متهم نیز کاربرد داشته باشد. برای مثال تحقیق و معاینه محلی با افرادی مرتبط است که هیچ نقشی در وقوع جرم یا فرایند دادرسی ندارند. همچنین ممکن است حساب بانکی شاکی خصوصی یا شخص ثالثی برای روشن شدن واقعیت کنترل شود. این ابزارهای قانونی عبارتند از: اخذ اظهارات شاکی و کسب دلایل وی، تحقیق از شهود، تحقیق محلی، معاینه محلی، بازرسی از منزل

اداره مربوطه به اجبار سارق را مجبور به اثر انگشت نمودن ذیل اسناد بازسازی سرقت می‌نماید (۱۰).

۵-۵-۳-۲. مظنون‌گیری

یکی دیگر از طرق کشف ناصحیح جرم مظنون‌گیری است لازمه اجرای اصل برائت و قواعد دادرسی کیفری آن است که ابتدا نسبت به جمع‌آوری ادله بر علیه شخصی اقدام سپس نسبت به دستگیری و تحت نظر قرار دادن او اقدام شود. در شیوه متداول مظنون‌گیری مرجع انتظامی به صرف اینکه اموالی نامرتب با فردی همراه است او را به اتهام سرقت به کلانتری دلالت می‌دهند. و این در حالی است که متهم موضوع سرقت را انکار می‌نماید و شخصی نیز به عنوان صاحب مال، مال مکشوفه را متعلق به خود معرفی ننموده است یا حتی از قبل دستگیری شخص مظنون، اشخاصی نسبت به اعلام سرقت آن مال طرح شکایت ننموده‌اند و یا به صرف اینکه شخص مظنون به استعمال مواد مخدر می‌باشد و یا زر ورقی همراه او است، نسبت به انتقال وی به کلانتری اقدام و نسبت به توزین مواد چسبیده به زر ورق استعمال می‌گردد. که در پاسخ مشخص می‌گردد اساساً مواد قابل توزین نبوده است و نتیجه عدم رعایت اصل برائت و قواعد قانونی کشف جرم، تضییع حقوق متهم و نهایتاً خدشه‌دار نمودن آبروی است. و یا به صرف اینکه شیوه و شگرد سرقت سارق در یک پرونده با پرونده‌های مرتبط دیگر یکسان است. این متهم نیز به عنوان سارق سایر پرونده‌های مرتبط معرفی و آن پرونده‌ها ضمیمه پرونده اصلی می‌گردد و این در حالی است که متهم اساساً منکر این اتهام است (۱۱).

۵-۵-۳-۳. استفاده از شکنجه در جهت کشف جرم

از جمله رفتارهای غیرانسانی که برای اخذ اقرار یا اطلاعاتی از سوی متهم یا مطلع صورت می‌گیرد، اذیت و آزار روحی و جسمی متهم و مطلع است که در حقوق کیفری تحت عنوان شکنجه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این رفتار در حقوق کیفری اسلام شدیداً منع شده و اطلاعات کسب شده از این طریق ارزش اثباتی ندارد و حقوق کیفری ایران نیز صراحتاً

شرط اول: انجام عملیات توسط مأمور دولت است نه اشخاص عادی. شرط دوم: مخفی نگه داشتن هویت مأمور دولت و شرط سوم: تحریک یا ترغیب و اغفال و فریب فرد برای ارتکاب جرم مورد نظر می‌باشد. به عبارت دیگر اگر مأمور مبارزه با مواد مخدر از طریق تلفن همراه متهمی که دستگیر شده، به فروشنده مواد مخدر پیامی ارسال، دال بر تقاضای خرید مقادیری مواد مخدر با قیمتی مناسب نماید، و پس از توافقات اولیه، فروشنده بر سر قرار حاضر شود و مأمورین او را به همراه مواد مخدر دستگیر نمایند، این اقدام نمونه‌ای از دام‌گستری است. یا در مثال دیگری قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده‌ای در پاسخ بیان یکی از مراجعه‌کنندگان اعم از شاکی یا متهم یا خانواده آنان یا افراد کارچاق کن دال بر پرداخت رشوه جهت مخومه نمودن پرونده، پاسخ مثبت بیان دارد و پس از هماهنگی با مأمورین حفاظت اطلاعات دادگستری، و گذاشتن قرار با طرف مقابل، بر سر قرار حاضر شود و در حین پرداخت رشوه، مأمورین حفاظت و اطلاعات دادگستری متهم را دستگیر نمایند. این نیز نمونه‌ای از دام‌گستری است چرا که در این فرض شخص متقاضی پرداخت رشوه تحت تأثیر کلماتی که قاضی بیان نموده بوده و از الفاظ قاضی اطمینان حاصل نموده، و قاضی به نحوی وی را تحریک و ترغیب به پرداخت رشوه نموده است. یا یکی دیگر از صحنه‌های دام‌گستری این مثال است که متهم دستگیر شده به اتهام سرقت همکاری لازمه را با مأمورین نداشته و مأمور متخلف پس از خارج نمودن چند پرونده سرقت از منزل‌های مرتبط در یک محدوده زمانی و مکانی و پس از تماس با مال‌باختگان دال بر اینکه سارق منازلشان دستگیر شده، سارق را به درب منزل مال‌باختگان جهت بازسازی صحنه‌های سرقت برده و در حالی که متهم درون خودرو پلیس بوده، پس از زدن زنگ، از مال‌باخته خواسته می‌شود به دم درب آید. و به مال‌باخته گفته می‌شود شخصی که درون اتومبیل نشسته سارق منزل شما است. سپس صورت جلسه بازسازی صحنه سرقت را تنظیم و بدون این‌که مال‌باخته با سارق کلامی رو در رو شوند صورت جلسه را به امضاء مال‌باخته رسانده و پس از حضور در

است (۱۳). استفاده پلیس از بازرسی و تفتیش در جهت کشف جرم یکی از مصادیق کشف ناصحیح جرم می‌باشد. سازمان پلیس با بازرسی‌های غیرمرتبط در منازل و اماکن و بازرسی از درون خودرو به ظن مشکوک شدن به خودرو یا سرنشینان درون آن و بازرسی از افراد درون خودرو به جهت مزبور یا بازرسی‌های غیرمرتبط اشخاص یا از اشیاء یا تجهیزات مرتبط با فضای مجازی یا دایر نمودن ایست‌های بازرسی نیروهای انتظامی و نظامی قدم در این راستا می‌نماید که ذیلاً نمونه‌هایی از آن بیان می‌گردد (۱۴).

۵-۳-۴-۱. بازرسی از اماکن

بازرسی با دو هدف کشف ادله‌ی جرم و یا دستگیری متهم انجام می‌گردد. در مورد بازرسی از اماکن در جهت کشف ادله جرم قانون‌گذار تکالیفی را برای ضابطین دادگستری و مقام قضایی رسیدگی‌کننده تبیین و وضع نموده است. که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به احراز ظن قوی حضور متهم یا کشف اسباب و آلات و ادله جرم در مکان و صدور دستور موردی بازرسی با ذکر زمان، دفعات ورود، مکان ورود و موضوعی که باید از آن تفتیش به عمل آید، اشاره نمود. بازرسی بدون اصول و قاعده ضابطین انتظامی در غیر موضوع ذکر شده در دستور قضایی با ذکر این عنوان که موضوع در قالب جرم مشهود کشف شده نوعی کشف جرم به طریق ناصحیح است. این امر ضمن خدشه‌دار نمودن حریم خصوصی افراد سبب خودکامگی ضابط و مقام قضایی در انجام فعل خلاف قاعده و قانون می‌گردد. گاه‌آ مشاهده می‌گردد، ضابطین به صرف اینکه شخص در نظر آنها مشکوک و رفتارهای خارج از عرف انجام می‌دهد و یا به صرف وجود سابقه‌ی بد وی در امر مواد مخدر، یا سرقت یا تحصیل مال مسروقه از مرجع قضایی تقاضای بازرسی از منزل یا اماکن را می‌نمایند که این طریق ناصحیح کشف جرم ضمن دوری ضابطین از کشف علمی جرم با ارزش‌های دین مبین اسلام که منع تجسس در امور افراد است، مغایرت دارد (۱۵).

اخذ این نوع آزار را ممنوع نموده است. این سبک بازجویی که بیشتر در بزه سرقت یا مواد مخدر استفاده می‌شود و سبب می‌گردد که متهم به موضوعی اقرار نماید که احتمال دارد در آینده بر اساس کشف علمی جرائم، ارتکاب آن به شخص دیگری محرز شود. و متهم در جهت رهایی از وضعیت مشقت‌آور روحی یا جسمی مجبور به اقرار در آن بازه‌ی زمانی بوده است. شکنجه صرفاً فشار جسمی بر متهم نمی‌باشد بلکه فشار روحی متهم با نگهداری او در سلول انفرادی یا عدم دسترسی متهم معتاد به سیگار یا متادون با انگیزه‌ی اقرار وی یا نگهداری متهم به مدت زمان طولانی در بازداشتگاه و بازجویی از وی در ساعات شب یا تهدید وی به گذاردن پرونده‌های دیگر بر روی پرونده وی از مصادیق دیگر فشار روانی جهت اخذ اقرار از متهم است. اقرار بدون پیشخوانه متهم نزد مقام قضایی و صرفاً پاسخ‌گویی بله یا خیر وی در ازای این سوال مقام قضایی که اتهام شما دایر بر سرقت این تعداد مال تفهیم می‌گردد از خود دفاع کن، و عدم پرسش دقیق در خصوص جزئیات سرقت و اینکه سرقت چه زمانی بوده و به چه نحوی و سرقت با چه افرادی بوده و اینکه مال مسروقه به چه کسی فروخته شده و اینکه اساساً چه اموالی توسط وی سرقت شده است از مصادیق اجحاف در حق متهم و عدم رعایت اصل برائت است. اخذ اقرار از متهم که به جهت مصرف بیش از حد مواد مخدر یا عدم استفاده از مواد مخدر فاقد حالت روانی مطمئن می‌باشد از مصادیق اقرار غیرقانونی است (۱۲).

۵-۳-۴-۵. بازرسی و تفتیش غیرقانونی

عدم دخالت در زندگی خصوصی شهروندان و حفظ آزادی‌های مشروع انسان‌ها در قلمرو و حریم خصوصی آنها مهم‌ترین شاخصی است که مورد توجه دولت‌های حاکم و اکثریت نظام‌های حقوقی بوده است. اصطلاح حریم خصوصی در قرآن کریم و روایات نیامده بلکه دین مبین اسلام از طریق ممنوع کردن و بیان مواردی از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی از جمله حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوءظن و اشاعه‌ی فحشا و هجو و قذف، حریم خصوصی را تعریف نموده

۵-۳-۴-۲. بازرسی از اشخاص

یکی دیگر از مصادیق کشف جرم به طریق ناصحیح، بازرسی از اشخاص و اشیاء همراه آنان بدون اخذ اجازه موردی در جرائم غیرمشهود از مقام قضایی است. یعنی به ظن شک و گمان به شخص و به لحاظ اینکه وی مشکوک به مصرف مواد مخدر یا الکل است، بدون کسب دستور از مقام قضایی شخص را مورد بازرسی قرار داده یا از او تست الکل اخذ می‌نمایند که این موضوع خلاف اصل رعایت کرامت و شأن اشخاص و رعایت حریم شخصی و حقوق شهروندی و اصل برائت می‌باشد. اقتضاء دارد که از بازرسی از شخص به ظن مشکوک شدن به وی آن نیز در حضور سایر اشخاص و در ملاء عام خودداری و با اجازه موردی مقام قضایی و با رعایت مواد ۱۳۷ و ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام شود (۱۵).

۵-۳-۴-۳. ایستگاه‌های ثابت بازرسی نیروی**انتظامی و نظامی**

راه‌اندازی ایستگاه‌های دائمی بازرسی از اتومبیل‌ها یا محموله درون آن یا اشخاص و سرنشینان درون خودروها در جهت کشف مواد مخدر یا کالای قاچاق که توسط نیروی انتظامی انجام می‌شود و یا راه‌اندازی ایستگاه‌های موقت بازرسی توسط مأمورین بسیج بدون اخذ اجازه موردی از مقام قضایی نیز از مصادیق دیگر کشف جرم به صورت ناصحیح است. چرا که بازرسی‌های معمول در جهت کشف جرم غیرمشهود است و منطق قانون‌گذار در جهت رعایت حریم خصوصی و حق شهروندی لحاظ نمی‌شود. نیروی مقاومت بسیج در جرائم غیرمشهود حتی در صورت عدم حضور ضابطان عام دادگستری ضابط نبوده و اختیاراتی بیش از شهروندان ندارد. و در جرائم مشهود پس از انجام اقدامات اولیه جهت حفظ آثار و علائم جرم و دستگیری متهم انجام وظیفه می‌نمایند. لهذا گیت‌ها و ایستگاه‌های بازرسی در مورد جرائم غیرمشهود و جهت کشف جرم توسط نیروی انتظامی و نیروی مقاومت بسیج نیز بر خلاف نص صریح قانون می‌باشد (۱۱).

۵-۳-۴-۴. بازرسی از خودرو و سرنشینان درون**خودرو**

اصل مهم در امر بازرسی آن است که در مواردی که جرمی واقع نشده به صرف احتمال وقوع نمی‌توان بر جواز بازرسی حکم داد و در هر مورد که انجام بازرسی بر تشخیص مقنن ضرورت دارد باید ظن قوی به کشف جرم و یا متهم و یا آلات و ادوات جرم وجود داشته باشد. بازرسی از خودرو و از نظر رویه پلیس با توجه به وضعیت محل به سه صورت انجام می‌شود: بازرسی امنیتی با هدف تأمین امنیت که معمولاً سطحی و کلی است؛ بازرسی ظنی که پلیس به خودرو یا سرنشین و یا محموله آن مشکوک می‌شود؛ بازرسی در جرائم مشهود که وضعیت ظاهری خودرو دلالت بر وقوع جرم دارد. مقنن در جهت رعایت حریم خصوصی افراد، این نوع از بازرسی‌ها را با محدودیت وضع نموده است. سوال مدنظر آن است که آیا بازرسی از اتومبیل نیز به مجوز قضایی نیاز دارد عده‌ای معتقدند که جز در جرائم مشهود، توقیف و بازرسی خودروی اشخاص بدون دستور مقام قضایی جایز نیست و در این مورد به رأی شماره ۱۷۷-۱۷/۱۶/۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استناد می‌نمایند. و عده‌ای معتقدند که براساس نص ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازرسی از اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است» و به جهت اینکه اتومبیل جز اشیاء است بازرسی آن در جرائم غیرمشهود نیازمند به اجازه موردی مقام قضایی است و بالعکس عده‌ای معتقدند که خودرو جزو اشیاء محسوب نمی‌شود بلکه منظور از اشیاء، اشیاء موجود در منازل و اماکن است. لهذا بازرسی بدون مجوز از مقام قضایی و به ظن مشکوک بدون اتومبیل یا محموله‌ی درون اتومبیل و یا سرنشینان درون خودرو یا محموله آن یکی از طریق ناصحیح جرم است (۱۶).

۵-۳-۵. شنود و کنترل ارتباطات الکترونیکی

حریم خصوصی از نهادهای برجسته حقوق بشری است. هر شخصی حق دارد از حریم خلوت خویش بهره‌مند باشد. ارتباطات الکترونیکی از مهم‌ترین جلوه‌های حریم خصوصی

۵-۳-۷. استفاده از سگ و وسایل جرم‌یاب در کشف**جرم**

حس بویایی سگ هزاران بار قوی‌تر از انسان است و تجهیزات جرم‌یاب مانند X-ray به راحتی می‌توانند مواد مخدر جاسازی شده را هشدار دهند. و به این ترتیب دیگر لازم نیست صندوق‌ها و بسته‌های عبوری در فرودگاه‌ها و مبادی ورودی شهرها باز شوند. حال سوال اول آن است که در محل‌های جرم‌خیز که توسط سگ جرم‌یاب خودروها و کانتینرها مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورت هشدار سگ مواد یاب آیا پلیس می‌تواند به موضوع مانند جرم مشهود برخورد کند؟ یا مطابق ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری این هشدار را از جهت ظن قوی بداند و پس از همانگی با مقام قضایی اقدام به بازرسی از خودرو نماید؟ که به نظر می‌رسد موضوع تحت عنوان جرم غیرمشهود می‌باشد و نیاز به اخذ مجوز جهت امر بازرسی است. و در صورت بازرسی بدون مجوز، موضوع از موارد کشف ناصحیح جرم است. لیکن در مورد دستگاه‌های جرم‌یاب X-ray با توجه به اینکه این دستگاه‌ها قابلیت تصویربرداری دارد و اقلام ممنوعه در صفحه نمایش، نمایش داده می‌شود. می‌توان موضوع را تحت بند اول ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار داد. سوال دیگر آن است که آیا ایجاد این ایستگاه‌های بازرسی دائمی و استفاده از سگ در جهت بررسی کلی از خودروها و وسائل درون آن و کانتینرها، قانونی است و این شیوه کشف صحیح است یا ناصحیح به نظر می‌رسد با توجه به اینکه هرگونه بازرسی نیازمند دستور موردی قضایی را دارد. ایجاد گلوگاه‌های مواد یاب نیز نیاز به دستور قضایی دارد. هر چند که حقوق دانان انتظامی و وزارت کشور معتقدند با توجه به عضویت دادستان کل کشور در شورای امنیت کشور و منطوق ماده ۱۵۸ و بندهای الف، ب، پ قانون مجازات اسلامی و بند دال ماده ۱ و ۵ قانون راجع به وظایف شورای امنیت کشور و ماده ۳۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و اینکه بازرسی از وسایل نقلیه در گلوگاه‌ها امری ضروری برای حفظ امنیت در کشور محسوب می‌گردد. به اجازه مخصوص از مقامات قضایی نیاز دارند. لیکن با توجه به اینکه تصمیمات شورای امنیت کشور بنابر تبصره ۲ ماده ۴

است و یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها و شگردهای تحصیل ادله خصوصاً در مورد جرائم سازمان‌یافته، خشن و تأثیرگذار مانند قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف، کنترل ارتباطات الکترونیکی است. کنترل ارتباطات الکترونیکی انواع مختلفی از جمله:

۱. شنود و بررسی محتوای در حال انتقال در سامانه مخابراتی اعم از تلفن، تلفن همراه، پیامک، نامه‌های الکترونیکی است. استخراج متن پیامک‌های خطوط ارتباطی همراه با بازخوانی متن پست‌های الکترونیکی و نظارت بر ارتباطات الکترونیکی و تفتیش و توقیف داده‌ها، بررسی مکان آنتن‌دهی خطوط و... می‌باشد. اگر این اقدام بر اساس بخش‌نامه قوه قضاییه و زیر نظر قاضی ۲۵ قانون اساسی و در چهارچوب ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های ذیل آن صورت پذیرد، اقدامی مجاز است در غیر این صورت یکی از روش‌های ناصحیح کشف جرم است (۱۷).

۵-۳-۶. معامله اقرار

با توجه به اهمیت اقرار در نظام دلایل کیفری حاکم بر حقوق ایران و تأکید غیرمعمول سیستم قضایی بر استناد به اقرار و از طرفی تمایل به کشف جرم از طریق غیر قهرآمیز در نهاد پلیس موضوع معامله‌ی اقرار به صورتی ناخواسته و بعضاً ندانسته گسترش یافته و مورد استفاده افسران پلیس و قضات دادرها قرار می‌گیرد. در معامله اقرار تلاش می‌شود تا متهم متقاعد به اعتراف جرم گردد و در این راستا ممکن است از تهدید، ارباب یا فریب نیز استفاده شود. یکی از روش‌های مرسوم این است که متهم در عوض امتیازاتی که می‌گیرد به بزه انتسابی اعتراف می‌کند. امتیازاتی همچون چشم‌پوشی از سایر اتهامات متهم، تخفیف قرار تأمین کیفری، تحویل سیگار یا متادون از مأمور مربوطه، ملاقات با خانواده یا تماس تلفنی با آنان یا معامله در تعداد فقره جرائم ارتكابی یا معامله در حکم که اصولاً توسط مقامات قضایی پیشنهاد می‌شود و به موجب آن متهم با علم به اینکه چه حکمی صادر خواهد شد به جرم خود اقرار و اعتراف می‌نماید (۱۸).

قانون وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور جنبه مشورتی برای وزیر کشور داشته و تصمیم‌گیری در امور بر عهده وزیر کشور گذاشته و چون وزیر کشف یک مقام اجرایی است حق دخالت در امور قضایی کشور را ندارد. البته ناگفته نماند با توجه به اینکه شوراها تأمین استان و شهرستان و امنیت کشور زیر مجموعه شورای عالی امنیت کشور است. و چنانچه مصوبه‌ای از سوی شورای عالی امنیت ملی کشور وجود داشته باشد. با لحاظ اینکه مصوبات شورای عالی امنیت ملی کشور به تصویب مقام رهبری می‌رسد. نیاز به اخذ دستور قضایی ندارد. علی‌هذا در جهت اینکه کشفیات صورت گرفته صحیح و قانونی تلقی گردد. نیاز به مصوب شورای عالی امنیت ملی کشور در مورد گلویندها و ایستگاه‌های ثابت بازرسی می‌باشد (۱۹).

۵-۳-۸. شیوه‌های دیگر کشف ناصحیح جرم

شیوه‌ها و شگردهای دیگری در خصوص کشف ناصحیح جرم وجود دارد که می‌توان به استفاده و نصب ردیاب در اتومبیل متهم، نصب مخفیانه دوربین و میکروفن در محل، استفاده از مخبر، استفاده از سلول انفرادی یا کار گذاشتن میکروفن در سلول یا محل بازداشت متهم یا ورود مأمور تحت عنوان متهم در بازداشتگاه جهت شنیدن صحبت‌های فی‌مابین متهمین اشاره نمود.

۵-۵-۴. اصول غیر صحیح برای تحصیل دلیل

در حقوق کیفری اصل بر تحصیل آزادانه دلیل است. اصلی که علاوه بر جامعه، متهم نیز از آن بهره‌مند است. نکته‌ی قابل طرح آن است که اصول غیر صحیح کشف جرم از اصول غیر صحیح کشف دلیل متفاوت است. شاید بعضاً در مواردی وجه مشترکی نیز داشته باشد (۱۰). لیکن سعی بر آن است که مرحله کشف جرم با مرحله تحصیل دلیل متفاوت باشد. در مرحله تحصیل دلیل مقام قضایی از یک سو و ضابط از سوی دیگر گاه با شاکی خصوصی مواجه است که مال یا ناموس یا اعتبار و آبروی خویش را از دست رفته دیده و با مراجعه به دستگاه قضایی تظلم‌خواهی می‌کند یا مقام قضایی با متهمی مواجه است که به صورت سازمان‌یافته و حرفه‌ای نظم و امنیت

اجتماعی و اخلاقی جامعه را مورد خدشه قرار می‌دهد و عدم مبارزه با چنین شخصی به مثابه از دست رفتن نظم و امنیت است. متهم در این حالت متهمی سرسخت و زندان رفته و مسلط به تمامی فنون مورد استفاده پلیس و مقام قضایی است و تکرار جرم در او امری عادی است. حال با این وصف، سوال آن است که قاضی می‌تواند با تمسک به اصل تحصیل آزادانه دلیل و با هر وسیله‌ای، نسبت به اثبات جرم اقدام و در این راستا تمسک به امور غیرقانونی و بعضاً غیراخلاقی نماید. اموری از قبیل توهین به متهم، نصب میکروفن در سلول یا بازداشتگاه، مخبر قرار دادن هم سلولی جهت اخذ اظهارات متهم، بازداشت در سلول انفرادی، بازداشت متهم و عدم قبولی کفالت یا وثیقه، صدور حکم جلب متهم بدون رعایت موازین قانونی، صدور دستور بازرسی بدون رعایت موارد قانونی، صدور دستور توقیف اموال متهم از جمله اتومبیل به صورت غیر ضروری و عدم آزادسازی اموال توقیفی با هدف فشار به متهم جهت کسب و تحصیل دلیل، فریب متهم به اینکه اقرار نماید و در این صورت به او کمک می‌شود. صدور قرار بازداشت موقت جهت تحت فشار قرار دادن متهم جهت اقرار، بازداشت همسر یا فرزند متهم با عناوین محتمل یا تحت قالب ترمد نسبت به مأمور دولت به جهت تحت فشار قرار دادن متهم جهت اقرار، پرسش سوالات تلقینی، عدم تشریح اتهام و حتی دلایل جهت استفاده از جهل متهم نسبت به موضوع با این تفکر که اگر اتهام و دلایل بازگو شود متهم هوشیار می‌شود و اقدام به ارائه پاسخ‌های غیرمرتبط می‌نماید. دستور نگهداری طولانی مدت متهم در بازداشتگاه غیرقانونی یا قانونی پس از صدور قرار تأمین بدون اعزام اولیه متهم به زندان جهت عدم دسترسی متهم به تلفن یا ملاقات و تحت فشار روحی قرار دادن متهم به خصوص متهم زن، عدم ابلاغ و اعلام این موضوع که قرار بازداشت موقت یا تأمین کیفری قابل اعتراض می‌باشد. تشدید قرار به جهت فشار حداکثری و تحت فشار قرار دادن خانواده متهم جهت اخذ رضایت شاکی یا تحت فشار قرار دادن متهم جهت عدم توانایی در جهت ارائه ضمانت، ممنوع‌التلفن یا ممنوع‌الملاقات نمودن متهم در بازداشتگاه و زندان یا بازداشت متهم در جمع زندانیان محدود، عدم اذن در

برسد بلکه در این راه فقط می‌تواند به وسایلی تمسک جوید که قانونی باشد، که به آن اصل آزادی تحصیل دلیل به وسایل قانون گویند (۲۰).

از طرفی قانون‌گذار در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی علم قاضی را به عنوان پنجمین ادله اثبات جرم محسوب نموده لیکن آن را متفاوت از دلایل دیگر دانسته و به تصریح منطوق ماده مذکور چهار دلیل اول صرفاً در موارد مقرر قانونی قابلیت اثبات امر کیفری را دارد اما علم قاضی حصری نبوده و دامنه آن وسیع‌تر از سایر ادله می‌باشد به گونه‌ای که برابر ماده ۱۶۱ قانون مزبور حتی با وجود ادله شرعی مانند اقرار و شهادت چنانچه خلاف آن ادله به موجب علم قاضی ثابت گردد دیگر نمی‌توان بر اساس آن ادله رأی صادر نمود. در واقع باید توجه داشت آنچه که علم قاضی به عنوان دلیل اثبات امر کیفری اعتباری می‌بخشد یقین حاصل از مستندات بین و مراد از مستندات بین نیز به موجب تبصره ماده ۲۱۱ قانون مزبور قرائن و اماراتی است از قبیل نظریه کارشناسی، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع و...، به عبارت دیگر هر آنچه که بین ارتکاب جرم از سوی متهم باشد و بتوان با آن به یقین رسید، می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد و علم قاضی نمی‌تواند از طریق ادله تحصیل شده غیرقانونی حاصل شود (۱۸).

۵-۵-۱. مفهوم طریقت یا موضوعیت

دو واژه طریقت و موضوعیت واژه‌هایی می‌باشند که از اصول فقه استخراج شده است. طریقت بدین معنی است که قاضی به هر طریقی به موضوع علم حاصل نمود، کافی است. اما موضوعیت بدین معنا است که راه‌های تحصیل دلیل برای قاضی مشخص است و خارج از آن نمی‌تواند اقدام کند. به عنوان مثال در باب زنا در صورتی که ادله طریقت داشته باشد یعنی اگر قاضی از هر طریق دیگری علم به ارتکاب زنا حاصل نمود می‌تواند شخص را مجازات کند. اما اگر ادله موضوعیت داشته باشد، صرفاً از طریق اقرار یا شهادت شهود قاضی قادر به اثبات موضوع است (۳). حال همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، آیا در نظام کیفری ایران هدف، وسیله را توجیه

کی‌برداری و مطالعه پرونده و عدم همکاری با وکیل متهم به جهت تحت فشار قرار دادن متهم جهت کسب دلیل که بعضاً جرم لیکن به صور محرز تخلف انتظامی می‌باشد (۱۵). اعمال فوق که بیشتر در مراحل اولیه دادرسی یعنی در دادسرا انجام می‌گردد. و این اقدامات دارای دلایل متعدد از جمله احقاق حق شاکی یا فرو نشانیدن جو ایجاد شده در جامعه یا بیشترین استفاده از فضای که متهم در آن قرار گرفته یعنی فضای که متهم نادم است و تحت تأثیر وجدان قرار دارد. تاکنون اقامت در زندان برای وی عادی نشده است و تاکنون تحت تأثیر اظهارات مجرمین با سابقه جهت عدم اقرار قرار نگرفته است، تاکنون راهکارهای شبهه‌افکنی در پرونده را از هم‌بندان خویش در بازداشتگاه یا زندان فرانگرفته است. یا خانواده متهم به جهت استرس یا اضطراب ناشی از بازداشت عضو خانواده‌شان حاضر به هرگونه امری جهت اخذ رضایت شاکی می‌باشند، یا کشف اموال مال‌باخته اعم از مال مسروقه یا مال مورد کلاه‌برداری یا کشف مواد مخدر یا ارز یا مشروبات الکلی یا دستگیری سایر متهمان و یا خاتمه دادن به پرونده در دادسرا به نحو صحیح با انگیزه عدم بازگشت آن به جهت نقص تحقیقات از مرجع دادگاه و خاتمه دادن به رفت و آمد مکرر شاکی یا مال‌باخته صورت می‌پذیرد. حال سوال اساسی نوشتار کنونی آن است که این نحو ناصحیح کشف جرم یا این نحو ناصحیح تحصیل دلیل چه آثاری دارد. در واقع امر اسباب کشف جرم در نظام کیفری ایران طریقت دارد یا موضوعیت و کشف جرم به چه میزان وسیله را توجیه می‌کند (۱۷).

۵-۵-۵. نظام کیفری ایران در مورد تحصیل دلیل

در قانون آیین دادرسی مدنی قاعده‌ای تحت عنوان قاعده ممنوعیت تحصیل دلیل یا قاعده خنثی بودن قاضی وجود دارد که قاضی را ممنوع می‌کند از اینکه برای یکی از طرفین تحصیل دلیل نماید. لیکن در حقوق کیفری با توجه به اینکه اذن قانونی در مورد تحصیل دلیل له یا علیه متهم وجود دارد که به آن اصل آزادی تحصیل دلیل گویند دست قاضی را تا حد زیادی برای بدست آوردن واقعیت باز گذاشته اما معنای این اصل آن نیست که قاضی مجاز است از هر راهی به واقعیت

زندانی در محیط زندان و یا بازداشت‌گاه؛ بازجویی در شب؛ بی‌خوابی دادن به زندانی؛ انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می‌گردد؛ فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین و تحقیر زندانی در حین بازجویی یا غیر آن؛ استفاده از داروهای روان‌گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان مریض؛ محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات ضروری؛ نگهداری زندانی در محل‌هایی با سر و صدای آزاردهنده؛ گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی و عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از امکانات نامناسب بهداشتی؛ عدم طبقه‌بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک؛ ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس زندانی با خانواده‌اش؛ فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده‌ی او ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود؛ و ممانعت از انجام فرایض دینی؛

و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۴ که مقرر داشته هرگونه شکنجه متهم به منظور اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع است و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت؛

و ماده ۴ قانون منع شکنجه که مقرر داشته کلیه‌ی اقرار و اعترافات که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت عدم وجود ادله و قرائن قابل قبول دیگر از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج دانسته است؛

و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی که اقرار تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی را فاقد ارزش و اعتبار دانسته است. لذا در نتیجه از فحوا، کلیه مواد فوق‌الذکر، این نتیجه حاصل می‌شود که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و کشف جرم و دلایل حاصله باید از طریق قانونی حاصل شود. و به عبارتی طریق کشف جرم و دلایل آن موضوعیت دارد.

می‌کند یا خیر؟ آیا کشف جرم یا تحصیل دلیل طریقت دارد یا موضوعیت؟ در خصوص تبیین این سوال باید بیان داشت که در ارتباط با اصل تحصیل آزادانه دلیل در امور کیفری تهدیداتی وجود دارد اول آنکه فقط دلایل قابل ارائه به دادگاه‌اند که از سوی قانون‌گذار یا رویه‌ی قضایی ممنوع نشده باشند، دوم از طرق قانونی حاصل شود. ریشه دلیل در دو امر متصور است: الف) دلایلی که پس از وقوع جرم به طرق ناصحیح جمع‌آوری شده، مانند طرح سوالات اغفال‌کننده از سوی مقام قضایی در جهت کسب اقرار متهم، و یا دلایلی که توأم با کشف ناصحیح جرم حاصل شده مانند مأموری که اذن در بازرسی از منزل متهم صرفاً جهت کشف مال مسروقه را داشته لیکن با تجسس بیشتر اقدام به کشف مواد مخدر نموده یا مأموری که بر اساس اطلاعات اهل محل دال بر اینکه افراد نامتعارف شب‌ها در این خانه رفت و آمد دارند. مظنون به دایر کردن محل مصرف مواد مخدر یا فحشاء نسبت به شخصی شده و از مقام قضایی در جهت بررسی موضوع اذن بازرسی اخذ می‌کند لیکن پس از ورود به منزل شخص تمامی اموال مربوط یا نامربوط وی به اذن دریافتی را بازرسی و علاوه بر مواد مخدر یا بررسی دایر کردن مکان جهت فحشاء، مشروبات الکلی، تجهیزات ماهواره‌ای و هر آنچه که در منزل وجود داشته و مأمور پنداشته که سرقتی است را توقیف و به کلانتری دلالت داده است.

ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری در تبیین اینکه هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و اسباب کشف جرم موضوعیت دارد نه طریقت متذکر شده که سوالات تلقینی، اغفال، اجبار یا اکراه متهم را صراحتاً منع نموده است. از سوی دیگر ماده ۷ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مقرر داشته: که بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن در پشت سر متهم یا بردن آنها با اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند. همچنین قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ بیان می‌دارد: هرگونه اذیت یا آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن؛ نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی؛ چشم‌بند زدن به

۵-۵-۲. نحوه برخورد مقام قضایی با پرونده‌های**موصوف**

در قوانین و مقررات صراحتاً مطلبی در خصوص ممنوعیت صدور حکم در باب جرائم کشف شده از طریق ناصحیح و دلیل تحصیل شده از طریق مزبور بیان نشده و شعبات رسیدگی کننده در این خصوص اختلاف عقیده دارند. عده‌ای از شعبات کیفری صرف کشف موضوع را مهم دانسته و اقدام به صدور حکم برابر مقررات می‌نمایند. عده‌ای دیگر هم عقیده با گروه اول می‌باشند، لیکن به جهت نحوه کشف به خصوص در مورد دام‌گستری متهم را شایسته امور ارفاقی می‌دانند و عده‌ای دیگر قائل به صدور حکم برائت در مرحله دادرسی و در مرحله تحقیقات صدور قرار منع تعقیب می‌باشند. استدلال این عده برگرفته از مفاد مواد ۵۵، ۶۳، ۱۰۲، تبصره ماده ۱۰۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۷، ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ می‌باشد.

۵-۵-۳. نحوه مختومه نمودن پرونده‌های حاصل از**کشف ناصحیح جرم**

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید در قوانین و مقررات صراحتاً مطلبی در مورد ممنوعیت صدور حکم در خصوص مورد ذکر شده بیان نشده و حتی عده‌ای معتقدند که در صورت کشف ناصحیح جرم توسط مأمور یا تحصیل ناصحیح دلیل توسط مقام قضایی، این امور صرفاً انجام تخلف و بعضاً ارتکاب جرم از ناحیه یادشدگان می‌باشد. ولی این موضوع سبب مختومه شدن پرونده نمی‌گردد. اما عده‌ای که اعتقاد به ضرورت مختومه نمودن پرونده در این موارد را دارند به استناد کدام ماده‌ی قانونی اقدام به مختومه نمودن پرونده می‌نمایند. در مجموعه قرارهای منع و موقوفی تعقیب صراحت مواد ۲۶۵ و ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری هیچ‌گونه مستندی در خصوص مختومه نمودن پرونده‌های مذکور مشاهده نمی‌گردد.

لیکن ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله‌ی کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد. و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد. دادگاه حسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند. قرار منع تعقیب قرار است ماهوی، بدین معنی که مقام قضایی پس از ورود در ماهیت پرونده تشخیص می‌دهد که عمل جرم می‌باشد یا خیر یا دلایل کافی برای انتساب جرم به متهم وجود دارد یا خیر ولی قرار موقوفی تعقیب، قرار است شکلی، که مقام قضایی قبل از ورود به ماهیت در صورت مواجه شدن با موارد حصری مذکور در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به مختومه نمودن پرونده می‌نماید. در صدر ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار بیان نموده که «تعقیب امری کیفری که طبق قانون شروع شده است... موقوف نمی‌شود مگر به موارد زیر...» سخن در این قسمت می‌باشد که جرمی که بر اساس قانون کشف نشده و تعقیب امری کیفری که مطابق قانون شروع نشده، چگونه قابلیت صدور حکم به محکومیت را دارد. لذا به نظر می‌رسد به جهت اینکه که موضوع شکلی است و موضوع مطابق قانون شروع به رسیدگی و تعقیب نشده و با استفاده از اطلاق عبارت «و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد.» مذکور در ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقام قضایی رسیدگی کننده در مرحله‌ی دادرسی و دادگاه امکان مختومه نمودن پرونده‌های موصوف را دارد.

۵-۵-۴. ضمانت اجرای رسیدگی به موضوع

در صورت رسیدگی مقام قضایی به جرم کشف شده از طریق ناصحیح و صدور حکم محکومیت سوال آن است که آیا قاضی تحت تعقیب کیفری یا انتظامی یا از جهت مدنی قابل تعقیب می‌باشد یا خیر؟ که به نظر می‌رسد پاسخ در سه حالت قابل بررسی است.

و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت. در فضای حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دارای آثار بسیار مختلفی می‌باشد که یکی از آنها تضمین مؤلفه‌های حکومت قانون می‌باشد. در بحث پژوهش حاضر نیز اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها از دو منظر با چالش مواجه می‌شود: اول اینکه انحرافات در فرآیند کشف جرم همگی از قبل پیش‌بینی و جرم‌انگاری نشده‌اند و در نتیجه برخورد با آنها به صورت صریح و قاطع (که همین موارد نیز از مؤلفه‌های حکومت قانون در قالب جزمیت حقوقی می‌باشند) امکان‌پذیر نیست. دوم اینکه، در تفسیر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، تمام فرآیند کشف جرم و به طور خاص ابزارهای آن نیز باید از قبل توسط قانون تعریف و در ارتباط با سایر موارد در فضای سکوت قانون به واسطه احترام به حق بر حریم خصوصی باید اصل را بر عدم جواز آنها گذاشت.

در حقوق کیفری بسیاری از کشورها از جمله: در حقوق فرانسه قاضی کیفری نمی‌تواند اعتقاد باطنی خود را بر اموری متکی سازد که در جریان رسیدگی به طور قانونی تحصیل نشده است یا در حقوق ایتالیا قانون‌گذار محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تحصیل دلیل قائل شده تا آنجا که قاضی نمی‌تواند اقناع وجدانی خود را به هر دلیل و به هر صورت که تحصیل شده باشد، استوار سازد. در حقوق کیفری ایران، علم قاضی به عنوان شاخص‌ترین دلیل مدنظر می‌باشد. لیکن لازمه رسیدن به این علم دلایلی است که از طریق شرعی و قانونی حاصل شده است، چرا که تحصیل دلیل و کشف جرم در حقوق کیفری ایران بر اساس مفاد مواد ۵۵، ۶۳، ۱۰۲، تبصره ماده ۱۰۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۷، ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و قانون منع

الف) در صورتی که مقام قضایی صراحتاً بر خلاف قانون دستوراتی از جمله غیرقانونی بازداشت یا دستور غیرقانونی ورود به منزل و مخفی‌گاه را صادر نموده که در این حالت مرتکب جرم شده، حالت بعدی حالتی است که مقام قضایی موازین قانونی از جمله مواد ۶۳ تبصره ماده ۱۰۶، ماده ۱۶۸، ماده ۱۹۶، ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری یا موارد ذکر شده در قانون نظارت بر رفتار قضات از جمله: ۱. دستور جلب متهم بدون رعایت مقررات قانونی، ۲. عدم پذیرش کفیل و وثیقه در قرارهای تأمین، ۳. صدور قرار تأمین نامتناسب، ۴. دستور نگهداری متهم در بازداشتگاه غیرقانونی پس از صدور قرار تأمین منجر به بازداشت، ۵. بازداشت غیرقانونی، ۶. صدور تأمین کیفری جدید برای متهم بدون تعیین تکلیف نسبت به قرار صادره قبلی، ۷. عدم ابلاغ نظریه کارشناسی به اصحاب دعوا، ۸. برخورد تند و بعضاً غیرمتمعارف و توهین‌آمیز، ۹. عدم پذیرش و ثبت لوایح، ۱۰. عدم توجه به امر قضاوت شده، ۱۱. عدم توجه به مفاد اسناد رسمی، ۱۲. قرار دادن متهم در اختیار آگاهی قبل از صدور قرار تأمین یا پس از صدور قرار تأمین و قبل از معرفی به بازداشت‌گاه را رعایت ننموده که در این صورت تخلف انتظامی نموده است و حالت سوم حالتی است که بر اساس ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات موضوع تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی اثبات گردد که متضرر می‌تواند در دادگاه عمومی تهران طرح دعوی نماید.

۶. نتیجه‌گیری

روش‌های ناصحیحی نیز در جهت مقابله با جرم در بین کارگزاران کیفری همانند قضات و مراجع انتظامی مرسوم است. که این روش‌های غیرصحيح با دو موضوع نظم عمومی و حقوق افراد مغایرت دارد. لیکن گاهی نگاه توأم با مصلحت و حتی خیرخواهانه، کارگزار کیفری را مجاب می‌نماید، که در راستای حل مسأله کیفری یا پرونده به روش‌های غیرصحيح توسل جوید. از طرفی انحراف در فرآیند کشف جرم می‌تواند مؤلفه‌های حکومت قانون در نظام حقوقی را با چالش‌های جدی مواجه کند. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی

در این خصوص نگاهی مثبت نماید و با جرم‌انگاری موضوع کشف ناصحیح جرم و تحصیل ناصحیح دلیل و ذکر موضوع در مجموعه عوامل قرار موقوفی تعقیب به لحاظ شکلی بودن، اقدامی مؤثر در جهت رعایت حقوق و کرامت انسانی نماید.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

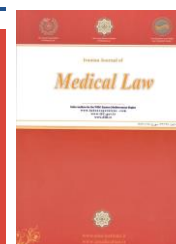
۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

شکنجه مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ موضوعیت دارد و هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. از سوی دیگر با توجه به عدم جرم‌انگاری و وجود نص قانونی بر منع کشف ناصحیح جرم و تحصیل ناصحیح دلیل و با التفات به این موضوع که کشف جرم از طریق ناصحیح یا تحصیل دلیل از طریق ناصحیح مورد اختلاف، در محاکم و قضات و اندیشمندان حقوق کیفری است. لیکن در این بستر می‌توان بزهدار حاصل از این برخورد را شایسته ارفاق دانست. هر چند که اعتقاد نگارندگان بر برائت متهمین موصوف به استدلال این حقیقت که، متهم بر اساس قانون محاکمه می‌شود و تحصیل دلیل نیز باید بر محور قانون باشد. و از سوی دیگر فی نفسه بسیاری از اعمال مقام قضایی و ضابطین دادگستری در راستای کشف ناصحیح جرم و تحصیل ناصحیح دلیل، جرم یا تخلف انتظامی است که در پرتو آن مسئولیت مدنی نیز نهادینه شده است. بر این اساس به هر علتی از جمله: فقر در تجهیزات کشف علمی جرم، آمارگرایی، جواب‌گویی عوامل به مدیران بالا دستی، حجم زیاد پرونده‌های ورودی به دادسرا و محاکم قضایی و مراجع انتظامی و انگیزه مقام قضایی یا ضابط انتظامی برای رهایی از آن به هر طریق ممکن با تفکر عدم بازگشت آن با قرار رفع نقص یا دستور مجدد مقام قضایی سبب شده که اصول عالیه کشف جرم از جمله رعایت حق شهروندی، رعایت حریم خصوصی افراد، رعایت کرامت انسانی، رعایت مساوات و برابری، رعایت اصل برائت، رعایت حق برخورداری از وکیل، رعایت منع شکنجه یا منع تعرض یا منع تجسس یا منع بازداشت غیرقانونی یا منع هتک حرمت و حیثیت خدشه‌دار و زیر سوال رود. عدم جرم دانستن این طریق ناصحیح کشف جرم و تحصیل دلیل و عدم ذکر آن به عنوان عاملی که می‌تواند موجبات مختومه شدن پرونده را تحت قالب قرار موقوفی تعقیب فراهم نماید، یک نقیصه‌ی قانونی است که سبب تشتت آراء و عدم وجود رویه‌ی واحد در خصوص یک موضوع نزد مراجع قضایی شده است. لذا با توجه به فرهنگ امروزی جامعه و رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و تجهیزات مربوط به کشف علمی جرم وقت آن رسیده که مقنن

References:

1. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Tehran: Islamic Azad University; 2020. (Persian).
2. Yaghuti E, Khazaei A, Beyranvand F. Inquiries About Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Publisher; 2019. (Persian).
3. Moghimi M. Trapping in crime detection. *Disciplinary knowledge*. 2007;9(3):148-67. (Persian).
4. Ghiyasvand S. Crime detection in preliminary investigation. *New Research in Humanities*. 2017;21(1):47-60. (Persian).
5. Beyranvand F. Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. Tehran: Islamic Azad University; 2013. (Persian).
6. Saffari A, Ebadi N, Mazhari A. Discovery of crime from the perspective of legal earth sciences. *Disciplinary knowledge*. 2009;4(11):129-59. (Persian).
7. Alipoor T, Moazenzadegan H, Kooshki G. Influence of the criminal justice system on charges against prosecuting authorities. *Islamic Law*. 2020;52(2):461-82. (Persian).
8. Rezaeifard S, Varvaei A. Requirements of the crime detection body in observing the principle of legitimacy of the reason for the confession. *Free Comparative Legal Research*. 2018;11(42):1-26. (Persian).
9. Naji Zavareh M. The mission of the criminal proceedings process. *Free Comparative Legal Research*. 2013;6(19):129-48. (Persian).
10. Ebrahimi S, Mahmoud M. The domain of absolute prohibition or its legalization. *Scientific-Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law*. 2014;8(1):1-39. (Persian).
11. Dehghani A, Ashuri M, Rahmadl M, Ardabili M. The evolution of the police-controlled stage in the Iranian criminal justice process in a comparative perspective. *Disciplinary knowledge*. 2019;8(1):83-121. (Persian).
12. Sheidaei M, Ishaqi J, Rajaei Z. Prevention of the crime of torture. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2018;7(25):89-123. (Persian).
13. Varvaei A, Jahangirpour A, Jorbani H, Hashemi H. Inspection of houses, places and objects of persons in Iranian criminal law with an approach to international documents. *Disciplinary knowledge*. 2011;13(2):41-81. (Persian).
14. Abdollahi A. Inspection of Homes, Places, Objects and Individuals in Iranian and French Law. *Judicial Law Views Quarterly*. 2018;23(83):183-222. (Persian).
15. Kushki G, Soheil S. Adaptation of the inspection and inspection process in the model of criminal proceedings between Iran and the United States. *Criminal Law and Criminology Research*. 2015;5(1):1-39. (Persian).
16. Yari Mehr B. Analysis of the Legal Relationship between Privacy and Inspection of Citizens' Vehicles by Judicial Officers with Emphasis on Intangible Crimes. *Law Studies Quarterly*. 2017;18(1):1-29. (Persian).
17. Sotoudeh Gandeshmin M, Etbati N. Terms and Conditions of Electronic Communications Control in Detecting Crimes in the Iranian Judicial System. *Detective Scientific Journal*. 2017;48(1):99-116. (Persian).
18. Talebian H. The Role of Confession in the Scientific Discovery of Crime. *Detective Scientific Journal*. 2016;36(1):41-68. (Persian).
19. Talebian H. Principles of criminalization with a view to the future. *Intelligence and criminal investigations*. 2018;13(1):9-38. (Persian).
20. Asadian A, Jahanbakhsh S. Fair Trial and Its Principles in the International and Domestic Field with a Focus on Government Punishments. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*. 2015;5(1):340-59. (Persian).



ORIGINAL ARTICLE

Deviation in crime detection

Amir Kazemi¹, Baqer Shamloo^{2*}, Amanullah Alimoradi³, Seyed Mehdi Ahmadi Mousavi⁴

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 21 April 2021

Accepted: 11 September 2021

Published online: 28 October 2021

Keywords:

Investigations

Crime Detection

Inspection

Eavesdropping and Control of Electronic Communications

ABSTRACT

Background and Aim: One of the causes of disruption in human societies is crime, which has always endangered the life-economic-political-cultural security of human beings and society and governments. Communities' response to this phenomenon is primarily through the use of coercive legal methods and tools, resorting to criminal institutions.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: Incorrect methods to deal with crime are also common among criminal agents such as judges and law enforcement agencies. These incorrect methods contradict the two issues of public order and individual rights. However, sometimes an expedient and even benevolent view persuades the criminal agent to resort to incorrect methods in order to solve the criminal problem or case.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: However, sometimes an expedient and even benevolent view persuades the criminal agent to resort to incorrect methods in order to solve the criminal problem or case.

* Corresponding Author:

Baqer Shamloo

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Postal Code: 19839-63113

Telephone: 21-29902744

Email: b-shamloo@sbu.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Kazemi A, Shamloo B, Alimoradi A, Ahmadi Mousavi S M. Deviation in crime detection. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.